



دوماهنامه علمی بین‌المللی
د ۱۲، ش ۲ (پیاپی ۶۲) خرداد و تیر ۱۴۰۰، صص ۱-۳۳
مقاله پژوهشی

ردپای هویت واژگانی در شفاه‌سازی روایت (مقایسه دو رده سنی کودک و بزرگسال)

اله‌ام اخلاقی باقوجری^۱، شهلا شریفی^۲، علی ایزانلو^۳

۱. دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران..

۲. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۳. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران..

پذیرش: ۹۷/۰۶/۰۶

دریافت: ۹۸/۰۲/۱۷

چکیده

هویت واژگانی یعنی مفهوم یک واژه که می‌تواند در سرتاسر هر متن با واژه بیان شود یا با کلمه‌ها و ساختارهای متعدد به آن مفهوم اشاره شود. تمرکز این تحقیق جست‌وجوی ابزارهای زبانی است که با استفاده از آن‌ها در یک روایت هویت واحد و پیوسته‌ای از سوی عبارت‌های متناوب بیان می‌شود. برای انجام این کار ۸۰ کودک و بزرگسال مؤنث در پژوهش حاضر شرکت و فیلم بدون کلام داستان «گلایی» را روایت کردند. پس از ضبط و پیاده‌سازی، داده‌ها تحلیل آماری شدند. برای دسته‌بندی واژه‌ها و تحلیل کیفی از مفهوم سطح اصلی رُش استفاده شد. هر دو گروه در استفاده از واژه‌های کل یکسان بودند، اما کاربرد واژه‌ها در سطح جز در دو گروه تفاوت معناداری را نشان داد. علاوه بر این، در بررسی ردپای هویت واژگانی هم دو گروه تفاوت معناداری داشتند. به این ترتیب که پس از اولین اشاره به یک مفهوم، ارجاع به همان مفهوم را به شیوه متفاوتی تا انتهای روایت انجام دادند، هرچند عدم تغییر واژه و ارجاع واحد به مفهومی واحد در هر دو گروه بسامد بالایی داشت. با اینکه به‌نظر می‌رسد در سن ۹ سالگی مخزن واژگانی کودک بسیار شبیه بزرگسالان شده باشد، اما براساس نتایج حاصل از این پژوهش، همچنان باید تفاوت دانش واژگانی این دو رده سنی را در تهیه محتوای مختلف در نظر داشت.

واژه‌های کلیدی: هویت واژه‌ها، شفاه‌سازی، روایت، داستان «گلایی».

۱. مقدمه

از نظر آبوت^۱ (2002) پیدایش روایت تقریباً با اولین خاطراتی که بزرگسالان از دوران کودکی خود به ذهن می‌سپارند هم‌زمان است. وی روایت را بازنمایی یک رخداد^۲ یا مجموعه‌ای از رخدادها می‌داند (ibid, p. 13). اهمیت و فراگیر بودن روایت در زندگی ما فقط زمانی به‌طور کامل روشن می‌شود که دیگر به اشکال روایت، که به آن‌ها وابسته‌ایم، نیندیشیم؛ اشکالی از جمله رسانه‌ها، خاطرات، رمان، سوابق تحصیلی و شغلی، پیشینه پزشکی، گزارش‌های پلیس از حوادث و مهم‌تر از همه داستان‌هایی که در طول زندگی روزمره درباره خود و دیگران می‌گوییم. بنابه این اهمیت، روایت موضوع اصلی مورد بررسی در این پژوهش در نظر گرفته شده است و برای انجام آن ۴۰ کودک ۹ ساله و ۴۰ بزرگسال ۲۲ تا ۱۸ ساله مؤنث به شفاهی‌سازی فیلم داستانی بدون کلام «گلابی» پرداخته‌اند. این فیلم که از سوی چیف^۳ (1980) ساخته شده است، به‌منزله ابزاری جهانی برای استخراج اطلاعات از تبدیل تجربه غیرزبانی به‌صورت زبانی در بیان داستان فیلم استفاده می‌شود. هدف این فیلم استخراج و بررسی نمونه‌های زبانی از سرتاسر جهان بوده است.^۴ تاکنون داده‌های برخی از زبان‌ها از جمله انگلیسی، آلمانی، یونانی، ژاپنی، چینی و سرخپوستان مایان بررسی، تحلیل و مقایسه شده‌اند که در این میان جای بررسی مبسوط داده‌های فارسی خالی است. در این پژوهش، نحوه واژه‌گزینی و کیفیت حفظ هویت آن واژه‌ها در سرتاسر آنچه در شفاهی‌سازی این روایت ذکر می‌شود، بررسی می‌شود.

شفاهی‌سازی شخصیت‌ها و اشیا در گفتمان، حوزه محدود، اما بااهمیتی است. زمانی‌که سخن‌گو با شیئی مواجه می‌شود که درک آن نیازمند توضیح است، باید براساس دانش فرهنگی و درک خویش از مخاطب تصمیم بگیرد که چه پدیده‌هایی برجسته‌اند و ارزش گفتن دارند. او از دانش معنایی‌اش استفاده می‌کند تا مقوله‌بندی درستی داشته باشد، اما کار شفاهی‌سازی با پیدا کردن مکانی برای یک شیء در شبکه معنایی تمام نمی‌شود. در ابتدا باید شیء را در گفتمان به‌منزله پدیده‌ای عینی معرفی کرد و سپس آن را از طریق استنتاج روایت ردیابی کرد. باید برای درک آنچه گفته می‌شود پیوستگی هویت شیء حفظ شود. پیوستگی اشیای واقعی در دنیای واقعی به‌خودی خود وجود دارد، اما در گفتمان این پیوستگی

به صورت متناوب است و از طریق عبارتهایی که در خلال روایت بیان می‌شود، ظاهر می‌شود. پرسش اساسی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که چگونه اشیا در گفتمان معرفی و دنبال می‌شوند؟ و همچنین، در پی آنیم که بدانیم واژه‌گزینی کودکان و بزرگسالان مؤنث در بیان روایت چه مشخصه‌هایی دارد؟ فرضیه‌های صفری که می‌توان در جواب به آن در نظر گرفت به این ترتیب است:

- انتخاب واژگانی در سطح کل و جزء در دو گروه سنی یکسان است.

- انتخاب نوع واژگان اعم از واژگان شامل، زیرشمول، هم‌شمول، ضمیر و استعاره در دو گروه سنی برابر است.

- رد پای هویت واژه‌ها در اولین اشاره در روایت و در اشاره‌های بعدی در دو گروه سنی برابر است.

اگرچه این طرح قابلیت بررسی موارد متعدد دیگری از جمله انسجام واژگانی را هم داشت، اما به دلیل وجود پژوهش‌های بسیاری در این حوزه و نبود فضای کافی برای ارائه آن در مقاله، از انجام آن صرف‌نظر شد، اما همچنان این موضوع می‌تواند در کنار سایر موارد مورد علاقه پژوهشگران، بررسی و تحقیق شود. در این مقاله با بررسی داده‌های جمع‌آوری شده از داستان «گلایبی»، به پرسش‌های مطرح شده پاسخ داده می‌شود و رد یا تأیید فرضیه‌های موجود بررسی می‌شود. در ادامه، پیشینه موضوع بیان شده است.

۲. پیشینه پژوهش

ماده اصلی این پژوهش روایت است و تحقیقات بسیاری بر روی این نوع محتوا انجام شده است، از جمله هدایی (۱۳۸۱) که در پژوهش خود ادبیات کودک را با سیزده مقوله از ادبیات بزرگسال جدا می‌کند؛ یارمحمدی و همکاران (۱۳۸۹) نیز به بررسی و مقایسه ساختارها و مؤلفه‌های گفتمان‌مدار موجود در داستان‌های کوتاه معاصر بزرگسالان و نوجوانان پرداخته‌اند؛ سیاوشی (۱۳۹۳) با بررسی یک روایت در زبان اشاره ایرانی بعضی راهکارهای زبانی و نقش آن‌ها در شکل‌گیری و پیش‌برد روایت را نشان داده است؛ علوی و قنبری (۱۳۹۷) به بررسی گفتمان روایی در دو داستان از دو نویسنده ایرانی و فرانسوی‌الاصیل پرداخته‌اند و فلاح و شفیع‌پور (۱۳۹۸) به تحلیل روایت موسی و سامری در چارچوب نشانه

معناشناسی گفتمانی پرداخته‌اند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، این آثار و پژوهش‌های مشابه دیگر بیشتر به تحلیل متون نوشتاری از نوع روایت پرداخته‌اند. البته، پژوهش‌هایی هم بر روی گفتمان شفاهی انجام شده‌اند، برای مثال، یکی از اولین پژوهش‌ها در این زمینه اثر لباو (1972) است که برای هر روایت شفاهی کاملاً شکل‌یافته، ساختاری شش‌بخشی در نظر گرفته بود که عبارت است از چکیده^۵، جهت‌گیری^۶، کنش گره‌افکن^۷، ارزیابی^۸، نتیجه یا راه حل^۹ و پایانه^{۱۰} (ibid, pp. 362 - 365). در زبان فارسی دامرودی (۱۳۹۲) از این تحلیل شش‌بخشی برای بررسی و مقایسه روایت‌های شفاهی و کتبی زبان فارسی استفاده کرده است.

در این راستا، دوبویس^{۱۱} و کلنسی^{۱۲} (2013) ایده بیان شفاهی تجربه چیف را که در دهه ۱۹۷۰ مطرح شده بود تکمیل کردند. تانن^{۱۳} (1979) شفاهی‌سازی داستان «گلابی» در زبان انگلیسی امریکایی را براساس نظریه چارچوب‌ها و فضاها^{۱۴} بررسی کرده است. وی در اثر دیگر خود (1980) تفاوت‌های فرهنگی بین دو زبان امریکایی و یونانی را از طریق شفاهی‌سازی داستان «گلابی» انجام داده است و در ادامه (2013)، بررسی‌های خود به نحوه شفاهی‌سازی پیام‌های الکترونیکی از طریق رسانه‌های اجتماعی پرداخته است. آرنولد^{۱۵} (2013) از شفاهی‌سازی یک رویداد واحد مانند فیلم یا روایت شخصی برای درک رابطه زبان و حافظه استفاده کرده است و برمن^{۱۶} (2013) به بررسی رشد روایی در نحوه شفاهی‌سازی تجربه‌های فردی و خیالی پرداخته است. در میان آثار زبان فارسی نیز تنها اخلاقی و همکاران (۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸) با استفاده از فیلم شش دقیقه‌ای جهانی «گلابی» به بررسی نحوه شفاهی‌سازی روایت از نظر چگونگی مکث و سرعت گفتار، ارزیابی و تعاملات اجتماعی و رویدادهای حرکتی تالمی پرداخته‌اند.

علاوه بر موارد ذکرشده، درباره اهمیت موضوع انتخاب واژه‌ها، چیف (1994) اعتقاد دارد که اگر زبان بخواهد به‌طور مؤثر عمل کند، سخن‌گو باید ارجاع به شرکت‌گندگان^{۱۷} را به‌گونه‌ای طبقه‌بندی کند که خواننده بتواند آن را شناسایی کند (ibid, p. 97). همچنین، لوت^{۱۸} (1989) تولید عبارت‌های ارجاعی را شامل محاسبه قابلیت دسترسی به هر ارجاع با توجه به

وضعیت ذهنی مخاطب می‌داند. در این رابطه، دولی^{۱۹} و لوینسون^{۲۰} (2001) مطرح می‌کنند که یک نظام ارجاعی معتبر در هر زبانی باید سه وظیفه‌ای را که آورده می‌شود به انجام رساند:

۱. وظیفه معنایی: شناسایی ارجاع‌ها به‌طور صریح و تشخیص آن‌ها از دیگر موارد ممکن.
۲. وظیفه گفتمانی - کاربردشناختی: نشان دادن موقعیت فعال‌سازی و برجسته‌سازی ارجاع‌ها یا عملی که انجام می‌دهند.

۳. وظیفه پردازش: غلبه بر اختلال^{۲۱} در جریان اطلاعات (ibid, p. 56).

اهمیت ارجاع در این مقاله مربوط به ردگیری هویت واژگانی است که چه تغییراتی در اولین اشاره و تکرار اشاره به آن اتفاق می‌افتد. هلیدی و حسن^{۲۲} ارجاع را یکی از عناصر اصلی انسجام می‌دانند و در دسته‌بندی‌های خود از انسجام به این طبقه‌بندی دست یافتند: ارجاع ضمیری، اشاره‌ای، مقایسه‌ای، جایگزینی، حذف، حرف ربط واژگانی، تکرار، هم‌معنایی و شمول معنایی (Halliday.& hasan, 1976, p. 2). موضوع شمول معنایی در مبحث واژه-گزینی که رُش معرفی کرده، قابل بررسی است و ارجاع ضمیری در ادامه آن و در مبحث پیگیری ردپای واژه بررسی می‌شود، در حالی که سایر مقاله‌های موجود تنها به بررسی انتخاب واژگانی در مقوله‌ای خاص پرداخته‌اند، این مقاله به بررسی اولین اشاره به یک پدیده و اشارات بعدی به آن با یک واژه واحد یا با تنوع اشارات پرداخته است. برای نمونه میرحاجی (۱۳۸۹) به بررسی رویکرد آموزش زبان عربی بر روی انتخاب واژه‌ها پرداخته است و یا نوروزی و سلطانی (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر جنسیت فیلمنامه‌نویسان بر روی انتخاب واژه‌ها پرداخته‌اند. آن‌ها نشان داده‌اند که نگرش متفاوت به زن، در انتخاب واژه‌ها تأثیرگذار است. موارد ذکرشده بسیار دور از هدف این پژوهش هستند که خود ضرورت انجام این تحقیق را نشان می‌دهد.

همچنین، درخصوص نام‌گذاری مقولات، براون (1976) بیان می‌کند که ممکن است برخی پدیده‌ها دارای چند اسم باشند، اما برخی از این کلمه‌ها بسیار متداول‌تر هستند که اسم حقیقی آن شیء محسوب می‌شوند. این‌ها کوتاه‌ترند و زودتر به کودکان آموخته می‌شوند. همچنین، می‌توان بیان کرد که رده‌بندی بیولوژیکی عامیانه معمولاً سطحی عام از مشخصگی متوسط دارد. برای مثال، اسم عام اسب زودتر و گسترده‌تر از مادیان که زیرشمول آن است یا

حیوان که واژه شامل آن است، استفاده می‌شود. در این اثر و سایر تحقیقات که در مورد اصطلاح‌شناسی اجزای بدن نوشته شده‌اند، فقدان عناوین واژگانی‌شده برای اجزای یک کل مشاهده می‌شود، یعنی واژه شامل برای اشاره به آن پدیده وجود دارد، اما برای زیرشمول‌های آن واژه مستقلی نیست و از روش‌های متفاوتی از جمله توصیف برای اشاره به آن استفاده می‌شود. او چنین نتیجه‌گیری می‌کند که عمق عنوان‌دهی از پنج سطح فراتر نمی‌رود (ibid). این یعنی بعضی از زیربخش‌ها عنوان ندارند، در حالی که کل آن همیشه دارای عنوان است و این از زبانی به زبان دیگر متفاوت است. رُش و همکاران (1976) هم در کار خود با سخن‌گویان امریکایی همین ادعا را کرده‌اند. افزون بر این، داوینگ (1980) عوامل شناختی، بافتی و متنی را مؤثر بر انتخاب واژگانی می‌داند. وی ضمن متمایز کردن این عوامل، به بررسی آن‌ها در داده‌های زبان انگلیسی داستان «گلایی» چیف می‌پردازد. همان‌گونه که مشاهده شد، بسیاری از این آثار به بررسی دیدگاه روایی از نظر نویسنده داستان پرداخته‌اند. آنچه بیشتر از هر چیزی پژوهش حاضر را از آثار ذکرشده متمایز می‌کند، خروج از داستان و تحلیل آن چیزی است که بیننده آن را بازگو می‌کند.

۳. اصول نظری

در این پژوهش نحوه واژه‌گزینی شرکت‌کنندگان برای اشاره به پدیده‌های خاصی بررسی شده است. برخی تفکرات یا زمینه‌های استدلال در بعضی زبان‌ها نسبت به زبان‌های دیگر ساده‌تر هستند، در نتیجه ممکن است حرف یا بیانی در یک زبان راحت‌تر و طبیعی‌تر باشد، اما در زبان دیگر دشوار یا نامنظم باشد (لاند، ۱۹۸۱، ترجمه کرمی، ۱۳۸۷، ص. ۱۲). اگر شما در زبان خود برای یک شیء واژه‌ای داشته باشید، در مقایسه با کسی که در زبان خود برای آن شیء واژه‌ای ندارد، بیشتر احتمال دارد که آن را تشخیص دهید و به یاد بسپارید (همان، ص. ۱۴). همچنین، می‌دانیم که معنی هر واژه حاصل جمع تعدادی از مؤلفه‌های مفهومی^{۳۳} است؛ این مؤلفه‌ها میان عناصر واژگانی مختلف مشترک هستند (زیتزن، ۱۳۸۲). طبق نظریه مقوله‌بندی، هر مفهوم یک تعریف دارد و برای کاربرد آن به شرایط لازم و کافی نیاز است (روشن و اردبیلی، ۱۳۹۲، صص. ۹۲ - ۹۳). ممکن است این شرایط در یک زبان فراهم نباشد

که باید بررسی شود. در حالی که واژه‌ها دارای مفهوم و معنی هستند، فقط در بخشی از مفهوم‌سازی کلی شرکت می‌کنند و درک کامل جمله بستگی به دانش دایره‌المعارفی دارد (Langacker, 1987)؛ به عبارت دیگر، معنای هر واژه خارج از بافت به تنهایی نمی‌تواند مفهوم کامل جمله را تعیین کند. همچنین، دانش دایره‌المعارفی حاصل تعامل ما با دنیای اطراف است و منحصر به دانش زبانی نمی‌شود. زبان‌شناسان شناختی نشان داده‌اند که درک ساده‌ترین جمله‌ها بدون اتکا به سایر نظام‌های شناختی امکان‌پذیر نیست (راسخ‌مهند، ۱۳۹۰، صص. ۶-۱۰). برای برخی پدیده‌ها واژه و عنوان استاندارد وجود دارد که برای هدف بیشتر سخن‌گویان در بسیاری از موقعیت‌ها کفایت می‌کند.

در این راستا رُش^{۲۴} و همکاران (1976) بیان می‌کنند «در میان تمام سطوح انتزاع که در آن هر چیزی می‌تواند طبقه‌بندی شود، یک سطح از انتزاع وجود دارد که بیشترین اطلاعات با کمترین تلاش شناختی به دست می‌آید که این سطح را سطح اصلی^{۲۵} می‌نامیم». آن‌ها این را مسئله‌ای شناختی می‌دانند و بیان می‌کنند زبان‌ها تمایل دارند نظام اسمی این سطح اصلی را گسترش دهند، این سطح را زودتر یاد می‌گیرند و بیشتر از واژه‌های شامل یا زیرشمول خود استفاده می‌کنند. بسامد آن‌ها هم در زبان و هم در گفتار بیشتر است. تشخیص شکل چیزی از این سطح اصلی راحت‌تر از سطح بالاتر آن است (ibid). با توجه به معیارهایی که رش برای سطح اصلی گفته است، می‌توان سطح اصلی کلمه‌ها را تشخیص داد و میزان تناوب آن را با سایر سطوح بررسی کرد.

دوشادوش مفهوم سطح اصلی، رابطه مفهومی شمول معنایی بیان می‌شود که گاهی ارجاع با استفاده از آن صورت می‌گیرد. روابط مفهومی^{۲۶} روابطی هستند که در سطح واژه مطرح می‌شوند. بین هر دو واژه‌ای که به‌طور تصادفی از میان واژه‌های زبان انتخاب می‌شوند، نوعی رابطه مفهومی منحصر به فرد وجود دارد (Croft & Cruse, 2004). به عقیده صفوی (۱۳۷۹) روابط مفهومی در نظام معنایی زبان، میان مفاهیمی مشاهده می‌شوند که ممکن است در نگاه نخست مستقل از یکدیگر به نظر برسند، ولی ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر دارند و گاه تشخیص یکی از دیگری به سادگی امکان‌پذیر نیست. یکی از مهم‌ترین این روابط شمول معنایی^{۲۷} است که در آن مفهومی می‌تواند یک یا چند مفهوم دیگر را شامل شود.

در واقع، رابطه شمول معنایی رابطه میان یک مفهوم و مفهوم‌های تحت شمول آن است (همان، ص. ۱۰۰).

در این پژوهش از مفهوم سطح اصلی رش و رابطه معنایی شمول معنایی برای ارزیابی واژه‌گزینی استفاده می‌شود. در بخش بعد شرکت‌کنندگان، ابزار پژوهش و روش تحلیل داده‌ها بیان شده است.

۴. روش پژوهش

طرح پژوهشی مورد استفاده در این مقاله، طرح تحلیل محتوای کیفی است. برای انتخاب رده سنی شرکت‌کنندگان این پژوهش از شاخص سنی برمن و اسلوبین^{۲۸} (1994, p. 28) استفاده شده است و محدود به دو رده سنی دبستان و بزرگسال شده است. سن شرکت‌کننده‌های کودک ۹ سال و سن شرکت‌کننده‌های بزرگسال ۱۸ تا ۲۲ در نظر گرفته شد. همچنین، برای کنترل متغیر جنسیت، تنها جنس مؤنث بررسی شده‌اند. بزرگسالان همگی دانشجوی دوره کارشناسی دانشگاه فردوسی مشهد و بومی بودند و کودکان ۹ ساله که همگی دانش‌آموز کلاس سوم دبستان نواحی مختلف آموزش و پرورش مشهد بودند. نمونه‌گیری به شیوه خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام گرفت. به این صورت که برای کودکان از هر ناحیه آموزش و پرورش یک مدرسه دخترانه انتخاب شد، سپس از هر مدرسه یک کلاس سوم ابتدایی مشخص شد و سپس از میان دانش‌آموزان هر کلاس ۵ نفر به صورت تصادفی از روی لیست اسامی انتخاب شدند. در انتخاب بزرگسالان هم ابتدا دانشکده‌های مختلف دانشگاه فردوسی مشهد مشخص شدند. سپس از هر دانشکده ۵ دانشجو در پژوهش شرکت کردند. بومی زبان فارسی و مقیم مشهد بودن، تک‌زبان بودن، قرار داشتن در بازه سنی مورد نظر و دانشجوی مقطع کارشناسی بودن از معیارهای انتخاب نمونه در نظر گرفته شد.

در ابتدا، برای شرکت‌کنندگان در این پژوهش، یک فیلم بدون کلام ۶ دقیقه‌ای جهانی، با عنوان «فیلم گلابی» نشان داده شد. در این فیلم شاهد جمع‌آوری گلابی از سوی باغبانی هستیم که در آن پسری یک سبد میوه را می‌دزدد و اتفاقاتی که در ادامه می‌افتد داستان فیلم را رقم می‌زند. در این فیلم به جز صداهای طبیعی مانند صدای حیوانات و باد، کلامی شنیده

نمی‌شود و شرکت‌کننده تجربه بدون کلامی را که دیده است، روایت می‌کند. قبل از نمایش فیلم به شرکت‌کننده گفته می‌شد که قرار است فیلمی را ببیند و پس از آن، آنچه را دیده است برای پژوهشگر تعریف کند. درنهایت، داده‌های ضبط‌شده به همان صورت محاوره‌ای پیاده‌سازی شدند. برای پیاده‌سازی داده‌ها از نشانه‌های به‌کار رفته در چیف (1980) استفاده شد. کدهای ۱ تا ۴۰ به کودکان و کدهای ۴۱ تا ۸۰ به بزرگسالان اختصاص دارند.^{۲۹}

برای روش تحلیل داده‌ها باید گفت سخن‌گو می‌تواند تصمیم بگیرد روایت خود را به‌صورت کاملاً خلاصه بیان کند یا اینکه همراه با جزئیات بیشتری باشد. اگر سخن‌گو تصمیم بگیرد توصیف همراه با جزئیات بیشتری باشد، احتمالاً کلمه‌های بیشتری از حوزه ارجاعی محدودتر^{۳۰} ظاهر خواهد شد. سخن‌گویان متفاوت راهکارهای متفاوتی را انتخاب می‌کنند. به‌طور مثال، توصیف‌هایی را که آورده می‌شود و درمورد چیدن گلابی است با هم مقایسه کنید:

(مثال ۱) کد ۱: یک مرده بوده بالای درخت، گلابی جمع می‌کرده.

کد ۱۱: یک آقای‌ای داشت از درختش، داشت گلابی می‌کند. داخل یک، یک کیف هم دستش بود که اون کیف رو در گردنش ان، انداخته بود و داخل اون کیفه داشت گلابی‌ها رو داخلش می‌انداخت. بعداً وقتی داخل اون کیفه ته، مثلاً گلابی‌ها زیاد شدند اومد، از نردبان اومد پایین و سید دیگه رو پر کرد، هی پر کرد، هی پر کرد که دوتا سید پر شدند.

شرکت‌کننده ۱۱ رویدادها را به اجزای ریزتری شکسته است و آن را با جزئیات بیشتری نسبت به شرکت‌کننده ۱ توصیف می‌کند. بنابراین، زمانی که مجموعه‌ی واژه‌های مورد استفاده در این دو نمونه را بررسی می‌کنیم به این نتیجه می‌رسیم که کد ۱۱ نسبت به کد ۱ از افعال خاص بسیاری برای توصیف اعمال استفاده کرده است، در حالی که سخن‌گوی کد ۱ تنها از فعل «جمع کردن» استفاده کرده است که در این مورد دربرگیرنده مواردی است که کندن گلابی برجسته‌ترین مؤلفه آن است.

علاوه بر این، شرکت‌کننده دوم به بسیاری از شرکت‌کننده‌های صحنه نیز اشاره می‌کند: درخت، کیف، مرد، هر گلابی و گردن، در حالی که شرکت‌کننده اول خود را محدود به اشاره به مرد، گلابی‌ها و باغ کرده است. الگوی مشابهی درمورد اشاره به لباس پوشیدن در مقابل

با فردی که آن را پوشیده است وجود دارد. اگرچه نمی‌توان لباس را بخشی از کلیت انسان در نظر گرفت، اما هر لباس همراه کسی است که آن را پوشیده است. به‌طور کل، تنها از لباس‌های غیرمعمول مانند پیش‌بند باغبان، که لباس همیشگی نیست، یا کلاهی، که باد آن را می‌برد، در روایت‌ها ذکر شده است.

اگرچه روایت این دو نفر حد نهایی مثال ما بود، اما گستردگی بین این دو مثال به‌خوبی چگونگی تصمیم‌گیری سخن‌گو براساس اینکه چه چیزی را با چه میزان جزئیات انتخاب کند و همچنین، اهمیت مسئله انتخاب واژگانی را نشان می‌دهد. همین شیوه در انتخاب شرکت-کننده‌ها درمورد اینکه به چه پدیده‌هایی اشاره شود نیز به چشم می‌خورد. همان‌گونه که امکان شکستن فرایند «گلابی چین» به چندین زیر رویداد وجود دارد، امکان اشاره به شرکت‌کننده‌های هر فرایند به‌طور کل یا به‌منزله بخشی از کل نیز وجود دارد. بنابراین، یک فرد ممکن است تصمیم بگیرد به فرد گلابی‌چین، نردبان‌ش یا گلابی اشاره کند، در حالی که فرد دیگری تصمیم بگیرد به دست‌ها و صورت فرد گلابی‌چین، گلابی و پله‌های نردبان اشاره کند. همان‌گونه که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است، افراد ترجیح می‌دهند به‌جای اشاره به اجزای تشکیل‌دهنده، به کل یک چیز اشاره کنند. افرادی که به اجزا اشاره می‌کنند، معمولاً در ابتدا به کل یک چیز یا اجزای آن اشاره می‌کنند یا از یک عنوان واحد^{۳۱} برای اشاره به آن مجموعه استفاده می‌کنند. برای بررسی نحوه واژه‌گزینی شرکت‌کنندگان در ابتدا اشارات شرکت‌کنندگان به خود افراد فیلم به‌صورت اسم یا ضمیر در مقابل اجزای بدن آن افراد استخراج شدند. برای نمونه، اشاراتی مانند باغبون، مرد، پسر یا او برای کل در نظر گرفته شد، در مقابل اجزایی مانند گردن، دست، پا یا سر که در اشاره به آن افراد استفاده می‌شد به‌منزله جزء در نظر گرفته شد و بین دو گروه مقایسه شدند. در این راستا علاوه بر انسان، موارد دیگری چون دوچرخه، درخت، پیش‌بند، نردبان، بز و پینگ‌پنگ نیز از نظر اشاره به‌صورت کل یا جزء بررسی شدند. انتخاب این کلمه‌ها براساس آن‌چیزی بود که چیف (ibid) نیز از آن استفاده کرده بود.

درنهایت، در بحث واژه‌گزینی، مفهوم ردپای هویت مطرح می‌شود، یعنی واژه‌ای که در ابتدای یک روایت برای اشاره به یک مورد خاص استفاده شده است، به همان صورت تا آخر

تکرار می‌شود یا با واژه‌های دیگری که همان مفهوم را می‌رسانند جایگزین می‌شوند؟ برای بررسی این مورد تنها به بررسی هویت واژه گلابی در ۸۰ روایت بسنده شد. به دلیل محوری بودن این واژه در داستان، احتمال اینکه بتوان نتایج آن را برای سایر واژه‌ها نیز تعمیم داد بالاتر است. در تمام روایت‌ها واژه‌هایی که برای اشاره به واژه گلابی استفاده شده بود، استخراج شد. برای نمونه، شرکت‌کننده ۲۰ در ابتدا به واژه میوه اشاره می‌کند و در ادامه آن را با واژه گلابی جایگزین می‌کند، در حالی که شرکت‌کننده ۵۷ برعکس این عمل را انجام می‌دهد و شرکت‌کننده ۵۰، که در مورد اسم میوه مطمئن نیست، ابتدا واژه هم‌شمول «به» را به جای گلابی استفاده می‌کند، سپس به خود گلابی اشاره می‌کند و در ادامه تنها از لفظ میوه استفاده می‌کند. به این ترتیب واژه‌گزینی و ردیابی هویت واژه‌ها در داستان بررسی خواهد شد.

۵. تحلیل داده‌ها

سخن‌گویی که تصمیم به داستان‌گویی می‌کند باید بیشتر در مورد چگونگی بیان مطالب تصمیم‌گیری کند تا در مورد گفتن چه مطالبی. اینکه چگونه آن را بگوید، روش درست کنار هم قرار دادن کلمه‌ها هم در جذب مخاطب بسیار مؤثر است و هم در درک صحیح داستان و نکات آن مهم است. از این طریق، شخصیت‌ها و مهارت‌های روایی هم سنجیده می‌شود. برخی اصول انتخاب واژگانی در تمام موقعیت‌ها، افراد و زبان‌ها ثابت است. سایر ویژگی‌ها بسیار زبان وابسته یا بافت وابسته هستند. بنابراین، ممکن است سخن‌گو داستان یکسانی را برای افراد مختلف، برای مثال، برای مادر بزرگش در منزل یا برای دوستانش در جشن آخر سال تحصیلی تعریف کند، احتمالاً روشی را که او در این دو موقعیت داستان بیان می‌کند، بسیار متفاوت خواهد بود. به منظور مقایسه به‌کارگیری نوع واژه‌ها در دو سطح واژه کل و جزء، تمام داده‌های دو گروه کودک و بزرگسال بررسی شد و اشاره به پدیده‌ها به صورت کل یا به صورت جزء استخراج شد. برای نمونه، زمانی که گفته شده بود «باغبان»، کلمه در دسته کل (انسان) جای داده شد، اما عبارت «دستش» در دسته جزء. به همین ترتیب «دوچرخه» در دسته کل و «چرخ دوچرخه» در دسته جزء قرار داده شد. زمانی که به مجموعه‌ای از چیزها یا افراد با یک اسم واحد اشاره شود، آن‌ها همه از یک نوع هستند. در دو جدول شماره ۱ و ۲

اجزای مورد استفاده برای هر کل در کودکان و بزرگسالان بیان شده است. هر کدام از مثال‌ها چندین بار در چندین روایت بیان شده‌اند، اما برای آنکه مثال‌ها به سادگی در داده‌ها یافت شوند، تنها کد یک روایت ذکر شده است.

جدول ۱: مثال کلمه‌های جزء و کل در کودکان

Table 1: Examples of part and whole words in children

مقوله	نمونه
انسان	پا (۲)، گردن (۱۱)، دست (۱۸)، سر (۳۹)
دوچرخه	جلوی دوچرخه (۴)، لاستیک (۹)، داخل دوچرخه (سبد) (۱۱)، چرخ (۳۷)
درخت	شاخه (۱۶)
پیش‌بند	بند (۲۷)
نردبان	-
بز	-
پینگ‌پنگ	-

جدول ۲: مثال کلمه‌های جزء و کل در بزرگسالان

Table 2: Examples of part and whole words in adults

مقوله	نمونه
انسان	گردن (۴۱)، پا (۴۴)، دست (۵۲)، سر (۶۶)، گوش (۶۸)، صورت (۷۸)، چشم (۸۰)
دوچرخه	چرخ دوچرخه (۴۴)، جلوی دوچرخه (۵۰)، سبد دوچرخه (۶۰)
درخت	برگ درخت (۵۷)
پیش‌بند	-
نردبان	پله‌های نردبون (۴۴)، چوبش (۴۷)
بز	شاخای بز (۵۴)
پینگ‌پنگ	دسته پینگ‌پنگ (۵۷)، توپ، راکت (۴۸)

بسامد استفاده از هر بخش به این ترتیب است:

جدول ۳: بسامد استفاده از واژه‌های کل و جزء در کودکان و بزرگسالان

Table 3: Frequency of using whole and part words in children and adults

بزرگسالان		کودکان		
جزء	کل	جزء	کل	
۵۱	۲۱۹۶	۲۶	۲۰۷۲	انسان
۴	۱۱۱	۸	۱۰۲	دوچرخه
۱	۵۴	۱	۵۲	درخت
۰	۹	۴	۴	پیش‌بند
۴	۹	۰	۱۴	نردبان
۱	۳۵	۰	۱۹	بز
۵	۴	۰	۳	پینگ‌پنگ

به‌منظور بررسی وابستگی میان دو گروه از داده‌های غیرزوجی، در صورتی که داده‌های موردنظر کیفی باشند، از روش تحلیل جداول توافقی استفاده می‌شود. فرض صفر مورد آزمون در این حالت استقلال متغیرهای سطری و ستونی جدول و فرض مقابل وابستگی را بیان می‌کند. برای بررسی این فرضیات آزمون‌های مختلفی وجود دارد. آزمون دقیق فیشر از آن جمله است که برای تحلیل این بخش از آزمون استفاده شده است. آزمون دقیق فیشر در حالت کلی برای هر تعداد از نمونه قابل استفاده است، اما به‌طور خاص چنانچه حجم نمونه انتخابی کمتر از ۱۰ باشد از این روش استفاده می‌شود. برای انجام این آزمون مقادیر فراوانی‌های مشاهده‌شده خانه‌های جدول و مقادیر فراوانی‌های مورد انتظار آن محاسبه می‌شود. اگر سطح معناداری یا همان مقدار پی^{۳۲} کمتر از ۰.۰۵ باشد، به این معناست که دو متغیر مورد بررسی به هم وابسته‌اند و مستقل از یکدیگر نیستند، یعنی در بحث حاضر، تغییر در رده سنی همراه با تغییر در نوع واژه‌گزینی است. از طرفی، اگر دو متغیر از هم مستقل باشند، پس تغییر سطوح سن، نباید تغییری در نوع واژه‌گزینی ایجاد کند. در جدول شماره ۴ نتایج تحلیل واژه‌گزینی به صورت کل و جزء در دو گروه کودکان و بزرگسالان مشاهده می‌شود.

جدول ۴: نتایج آزمون دقیق فیشر در ارتباط استفاده از مفاهیم و گروه سنی آزمودنی‌ها به تفکیک دو سطح کل و جزء

Table 4: Results of Fisher's exact test in relation to the use of concepts and age group of subjects separately into two levels, whole and part

جزء				کل					
جمع	سن		شاخص	مفهوم	جمع	سن		شاخص	مفهوم
	بزرگسال	کودک				بزرگسال	کودک		
۷۷	۵۱	۲۶	فراوانی	انسان	۴۲۶۸	۲۱۹۶	۲۰۷۲	فراوانی	انسان
%۷۳/۳	%۷۷/۳	%۶۶/۷	درصد ستونی		%۹۱/۱	%۹۰/۸	%۹۱/۴	درصد ستونی	
۱۲	۴	۸	فراوانی	دوچرخه	۲۱۳	۱۱۱	۱۰۲	فراوانی	دوچرخه
%۱۱/۴	%۶/۸	%۲۰/۵	درصد ستونی		%۴/۵	%۴/۶	%۴/۵	درصد ستونی	
۲	۱	۱	فراوانی	درخت	۱۰۷	۵۴	۵۳	فراوانی	درخت
%۱/۹	%۱/۵	%۲/۶	درصد ستونی		%۲/۳	%۲/۲	%۲/۳	درصد ستونی	
۴	۰	۴	فراوانی	پیش‌بند	۱۳	۹	۴	فراوانی	پیش‌بند
%۳/۸	%۰/۰	%۱۰/۳	درصد ستونی		%۳	%۴	%۲	درصد ستونی	
۴	۴	۰	فراوانی	نردبان	۲۳	۹	۱۴	فراوانی	نردبان
%۳/۸	%۶/۸	%۰/۰	درصد ستونی		%۵	%۴	%۶	درصد ستونی	
۱	۱	۰	فراوانی	بز	۵۴	۳۵	۱۹	فراوانی	بز
%۱/۰	%۱/۵	%۰/۰	درصد ستونی		%۱/۲	%۱/۴	%۸	درصد ستونی	
۵	۵	۰	فراوانی	پینگ‌پنگ	۷	۴	۳	فراوانی	پینگ‌پنگ
%۴/۸	%۷/۶	%۰/۰	درصد ستونی		%۱	%۲	%۱	درصد ستونی	
۱۰۵	۶۶	۳۹	فراوانی	جمع	۴۶۸۵	۲۴۱۸	۲۲۶۷	فراوانی	جمع
%۱۰۰/۰	%۱۰۰/۰	%۱۰۰/۰	درصد ستونی		%۱۰۰/۰	%۱۰۰/۰	%۱۰۰/۰	درصد ستونی	
آماره آزمون دقیق فیشر: ۱۶/۳۶۵				value	آماره آزمون دقیق فیشر: ۶/۹۵۵				value

نتایج جدول شماره ۴ به کمک آزمون دقیق فیشر ($p\text{-value} = ۰/۳۱۸$, $F = ۶/۹۵۵$) نشان می‌دهد که رابطه‌ای بین واژه‌های به‌کار گرفته‌شده و دو گروه سنی کودک و بزرگسال در سطح کل وجود ندارد. به بیان دیگر، در سطح کل، انتخاب واژه‌های وابسته به گروه سنی نیست و هر دو گروه سنی به‌طور یکسانی از این واژه‌ها استفاده کرده‌اند، اما نتایج بررسی به کمک آزمون دقیق فیشر ($p\text{-value} = ۰/۰۰۲$, $F = ۱۶/۳۶۵$) نشان می‌دهد که رابطه‌ای بین واژه‌های به‌کار گرفته‌شده و متغیر سن (کودک و بزرگسال) در سطح جزء وجود دارد. به بیان دیگر، در سطح جز، انتخاب واژه‌ها وابسته به متغیر سن بوده و هر دو گروه سنی به‌طور یکسانی از این واژه‌ها استفاده نکرده‌اند. به‌طوری که بزرگسالان نسبت به کودکان، اجزای واژگانی مانند نردبان، بز و پینگ‌پنگ را بیشتر به‌کار برده‌اند و کودکان اجزای واژگانی مانند دوچرخه و پیش‌بند را بیشتر استفاده کرده‌اند.

کلمه‌هایی که قابلیت کدپذیری بالایی دارند و در روایت استفاده شده‌اند، شامل نردبان، پله‌های نردبان، چرخ‌های دوچرخه، دسته دوچرخه و از این قبیل است. سبیل در زبان فارسی مشکل قابلیت کدگذاری را ندارد، اما هیچ‌کدام از شرکت‌کنندگان به آن اشاره نکرده‌اند، زیرا جزء ملاک‌های باغبان بودن نیست، شاید اگر شخصیت داستان قصاب بود، گفته می‌شد، اما پدیده‌هایی هم هست که مشکل قابلیت کدگذاری برای همه یا برخی از سخن‌گویان یک‌زبان دارند، مانند پیش‌بند، پینگ‌پنگ، دسته پینگ‌پنگ (راکت)، چرخ‌دنده دوچرخه، گلابی‌ها، بز و سبدها. زمانی که سخن‌گویان به این پدیده‌ها اشاره می‌کنند، گاهی انتخاب یک واژه خاص تلاشی برای اجتناب از کاربرد عنوان نامناسب است تا اینکه واقعاً آن واژه به واژه دیگر ترجیح روشنی داده شود. مثلاً کد ۷ درمورد اینکه میوه استفاده‌شده در فیلم سیب است یا چیز دیگری تردید دارد، به همین دلیل، از لفظ میوه استفاده می‌کند.

اشاره به چنین اشیایی هم با اسامی مختلف از سوی افراد مختلف صورت می‌گیرد و هم اشاره‌های متفاوت از سوی یک سخن‌گوی واحد را در پی دارد. در بسیاری از موارد آن‌ها با مکث‌های طولانی و شروع‌های اشتباه همراه با تعداد زیادی توصیف‌کننده که قابلیت کدگذاری پایینی دارند روایت را انجام می‌دهند. در برخی موارد اسم انتخاب‌شده برای اشاره به آن پدیده‌ها کاملاً نادرست بودند، مثلاً به‌جای پیش‌بند گفته‌شده کیف. اشاره کلامی به یک پدیده برای یک سخن‌گو تنها به اینکه اسم مناسب برای آن در زبانشان وجود دارد یا نه بستگی دارد. در برخی

موارد ممکن است سخن‌گویی از وجود اسم خاصی آگاهی نداشته باشد یا بافت گفتمانی برای کاربرد یک واژه آشنا نامناسب باشد.

همان‌گونه که گفته شد در بیان روایت در زمانی که بیش از یک انتخاب واژگانی وجود دارد، ارجحیت سخن‌گویان به اشاره به پدیده‌هایی با استفاده از کلماتی با درجه متوسط انتزاع است، مثلاً بیشتر ترجیح می‌دهند بگویند «با دوچرخه آمد» تا بگویند «با وسیله نقلیه آمد» یا عبارات خاص‌تر مثل «رکاب‌زنان آمد». داده‌های کودکان و بزرگسالان برای بررسی و تأیید این موضوع و همچنین مقایسه بین دو گروه، بررسی شدند و انواع اشارات متفاوت به عنصر واحدی بررسی شد. برای یکدستی کار واژه گلابی در نظر گرفته شد که محور فیلم نیز است. برای اشاره به واژه گلابی از ۶ راهکار استفاده شده است که نمونه‌هایی از هر مورد در مثال ۲ آمده است.

مثال ۲ واژه اصلی: گلابی

واژه شامل: میوه، محصول، درخت گلابی / میوه

واژه زیرشمول: گلابی نارس

واژه همشمول: به، سیب

ضمیر: اون، یکی

استعاره: نون دزدی، مال حروم (در اشاره به گلابی)

در کودکان واژه شامل دربرگیرنده واژه‌هایی چون میوه (۲۹)، درخت (۸) و محصول (۲) است و واژه اصلی اشاره به کلمه گلابی دارد؛ کلمه سیب و به به‌منزله همشمول استفاده شده‌اند و نون-دزدی و مال حروم به‌منزله استعاره برای اشاره به گلابی به‌کار رفته است. در بزرگسالان واژه-های میوه (۸۶) و محصول (۳) واژه شامل در نظر گرفته شده‌اند. کلمه‌های سیب (۸) و به (۱) به-منزله واژه‌های همشمول استفاده شده‌اند و مال‌دزدی در اشاره به گلابی، استعاره در نظر گرفته شده است. در جدول شماره ۵، میزان استفاده از هر کدام از این راهبردها را به تفکیک در دو گروه کودکان و بزرگسالان مشاهده می‌کنید.

جدول ۵: راهبردهای متفاوت اشاره به واژه گلابی در دو گروه کودکان و بزرگسالان

Table 5: Different strategies that refer to the word pear in two groups of children and adults

واژه اصلی	واژه شامل	واژه زیرشمول	واژه همشمول	ضمیر	استعاره
کودکان	۲۱۸	۳۹	-	۲۸	۸
بزرگسالان	۱۵۷	۸۹	۲	۹	۲۸

به منظور بررسی رابطه سطح به کارگیری واژه‌ها در دو گروه سنی (کودک و بزرگسال)، به کمک آزمون دقیق فیشتر وابستگی سطح واژه‌ها و متغیر سن آزمودنی‌ها بررسی شد که نتایج آزمون دقیق فیشتر ($p\text{-value} = ۰/۰۰۰$, $F = ۵۳/۱۱۵$) نشان می‌دهد که رابطه‌ای بین سطح واژه‌های به کار گرفته شده و گروه سنی (کودک و بزرگسال) وجود دارد. نتایج را در جدول شماره ۶ مشاهده می‌کنید.

جدول ۶: نتایج آزمون دقیق فیشتر در ارتباط با استفاده از واژه‌های اصلی و گروه سنی آزمودنی‌ها

Table 6: Results of Fisher's exact test in relation to the use of keywords and the age group of the subjects

گروه سنی	شاخص	واژه شامل	واژه اصلی	واژه زیرشمول	واژه همشمول	ضمیر	استعاره	جمع	
کودک	فراوانی	۳۹	۲۱۸	۰	۲۸	۸	۲	۲۹۵	
	درصد سطری	٪۱۳/۲	٪۷۳/۹	٪۰/۰	٪۹/۵	٪۲/۷	٪۷/۰	٪۱۰۰/۰	
بزرگسال	فراوانی	۸۹	۱۵۷	۲	۹	۲۸	۱	۲۸۶	
	درصد سطری	٪۳۱/۱	٪۵۴/۹	٪۷/۰	٪۳/۱	٪۹/۸	٪۳/۰	٪۱۰۰/۰	
جمع	فراوانی	۱۲۸	۳۷۵	۲	۳۷	۳۶	۳	۵۸۱	
	درصد سطری	٪۲۲/۰	٪۶۴/۵	٪۳/۰	٪۶/۴	٪۶/۲	٪۵/۰	٪۱۰۰/۰	
				۰/۰۰۰ p-value :				۵۳/۱۱۵ آمار آزمون دقیق فیشتر:	

همان‌گونه که مشاهده می‌شود انتخاب سطح واژه‌ها وابسته به گروه سنی است و دو گروه سنی به‌طور متفاوتی از این واژه‌ها استفاده کرده‌اند. برای مثال، ۷۳/۹ درصد از کودکان از واژه اصلی استفاده کرده‌اند، در حالی که این نسبت در بزرگسالان ۵۴/۹ درصد است. اینکه اشاره به شیء خاصی پس از اولین مرتبه به چه صورت است نیز قابل بررسی است، یعنی بررسی ردپای هویت یک واژه در کل روایت چگونه است. برای مثال، با در نظر گرفتن اولین اشاره واژگانی به مفهوم خاصی مانند گلابی، به بررسی چگونگی تکرار اشاره به آن مفهوم در ضمن روایت پرداخته‌ایم. در کل، ۸۰ روایت جمع‌آوری شده، اولین اشاره به مفهوم گلابی به این صورت بوده است:

جدول ۷: اولین اشاره به مفهوم گلابی در هر روایت

Table 7: The first reference to the concept of pear in each narrative

آغاز با شامل	آغاز با هم‌شمول	آغاز با واژه اصلی
۱۰ (محصول، میوه، درخت)	۵ (سیب)	۲۵
۱۱ (محصول، میوه)	۲ (سیب، به)	۲۷

با استفاده از آزمون دقیق فیشر که در جدول شماره ۸ نشان داده شده است، وابستگی آغاز اشاره به واژه و گروه سنی آزمودنی‌ها بررسی شد که نتایج آزمون دقیق فیشر (۱/۳۶۶، $p\text{-value} = ۰/۶۰۳$ ، $F =$ نشان می‌دهد که رابطه‌ای بین آغاز اشاره به واژه و گروه سنی (کودک و بزرگسال) وجود ندارد.

جدول ۸: نتایج آزمون دقیق فیشر در ارتباط آغاز اشاره به واژه و گروه سنی آزمودنی‌ها

Table 8: The results of Fisher's exact test in relation to the beginning of referring to the word and the age group of the subjects

گروه سنی	شاخص	آغاز با شامل	آغاز با هم‌شمول	آغاز با واژه اصلی	جمع
کودک	فراوانی	۱۰	۵	۲۵	۴۰
	درصد سطری	٪۲۵/۰	٪۱۲/۵	٪۶۲/۵	٪۱۰۰/۰

گروه سنی	شاخص	آغاز با شامل	آغاز با همشمول	آغاز با واژه اصلی	جمع
بزرگسال	فراوانی	۱۱	۲	۲۷	۴۰
	درصد سطری	%۲۷/۵	%۵/۰	%۶۷/۵	%۱۰۰/۰
جمع	فراوانی	۲۱	۷	۵۲	۸۰
	درصد سطری	%۲۶/۳	%۸/۸	%۶۵/۰	%۱۰۰/۰
آمار آزمون دقیق فیشر ۱/۳۶۶		p-value: ۰/۶۰۳			

به این ترتیب، آغاز اشاره به واژه وابسته به گروه سنی نیست. در جدول شماره ۹ ردیابی هویت واژه گلابی بررسی شده است و این نکته رصد شده است که بعد از اولین اشاره به آن، این تمرکز در ادامه روایت به همان صورت حفظ شده است یا به یکی از صورت‌های واژه شامل، همشمول یا واژه اصلی تغییر کرده است.

جدول ۹: بررسی ردیابی هویت واژگانی گلابی در دو گروه سنی کودکان و بزرگسالان
Table 9: Evaluation of pear lexical identity traces in two age groups of children and adults

شامل به اصلی	زیرشمول و شامل	همشمول به اصلی	اصلی به همشمول	اصلی به شامل	اصلی و ضمیر	همشمول و ضمیر	یکواخت اصلی	یکواخت شامل	یکواخت همشمول
۹	۰	۲	۳	۲	۱	۰	۱۹	۱	۲
۶	۱	۱	۲	۴	۸	۱	۱۲	۵	۰
سالان									

همان‌گونه که در جدول شماره ۹ مشاهده می‌شود، در استفاده از واژه اصلی که بسامد بالایی هم داشته است، در بسیاری از موارد شکل اولیه تا انتهای روایت حفظ شده است. ۱۹ مورد یکدستی در کودکان و ۱۲ مورد در بزرگسالان مشاهده شده است. در جدول شماره

۱۰ نتایج بررسی‌های آماری آن را مشاهده می‌کنید.

جدول ۱۰: نتایج آزمون دقیق فیشر در ارتباط هویت واژگانی و گروه سنی آزمودنی‌ها

Table 10: Results of Fisher's exact test in relation to lexical identity and age group of subjects

گروه سنی		بزرگسال		کودک		جمع
شاخص	فراوانی	درصد ستونی	فراوانی	درصد ستونی	فراوانی	درصد ستونی
شامل به اصلی	۹	۲۲/۵۰	۶	۱۵/۰۰	۱۵	۱۸/۸۰
زیرشمول و شامل	۰	۰/۰۰	۱	۲/۵۰	۱	۱/۳۰
همشمول به اصلی	۲	۵/۰۰	۱	۲/۵۰	۳	۳/۸۰
اصلی به همشمول	۳	۷/۵۰	۲	۵/۰۰	۵	۶/۳۰
اصلی به شامل	۲	۵/۰۰	۴	۱۰/۰۰	۶	۷/۵۰
اصلی و ضمیر	۱	۲/۵۰	۸	۲۰/۰۰	۹	۱۱/۳۰
همشمول و ضمیر	۰	۰/۰۰	۱	۲/۵۰	۱	۱/۳۰
یکنواخت اصلی	۱۹	۴۷/۵۰	۱۲	۳۰/۰۰	۳۱	۳۸/۸۰
یکنواخت شامل	۱	۲/۵۰	۵	۱۲/۵۰	۶	۷/۵۰
یکنواخت همشمول	۳	۷/۵۰	۰	۰/۰۰	۳	۳/۸۰
جمع	۴۰	۱۰۰/۰۰	۴۰	۱۰۰/۰۰	۸۰	۱۰۰/۰۰
آمار آزمون دقیق فیشر ۱۵/۸۸۹			p-value: ۰/۰۳۲			

جدول شماره ۱۰، نتیجه بررسی رابطه هویت واژگانی در دو گروه سنی کودک و بزرگسال را نشان می‌دهد که بر آن اساس وابستگی هویت و گروه سنی آزمودنی‌ها قابل تعیین است. همان‌طور که نتایج آزمون دقیق فیشر ($F = ۱۵ / ۸۸۹$, $p\text{-value} = ۰/۰۳۲$) نشان می‌دهد که بین هویت واژه‌های به‌کار گرفته‌شده و گروه سنی (کودک و بزرگسال) رابطه‌ای معنادار وجود دارد. به بیان دیگر، حفظ هویت واژه‌ها وابسته به گروه سنی است و هر دو گروه سنی به‌طور یکسانی این هویت را حفظ نکرده‌اند. برای مثال، ۲/۵ درصد از کودکان هویت اصلی

و ضمیر را حفظ کرده‌اند، در حالی که این نسبت در بزرگسالان ۲۰ درصد است.

۶. نتیجه

در این پژوهش شفاهی‌سازی روایت از نظر نحوه استفاده از واژه‌ها تحلیل شده است. برای انجام این بررسی از دو مفهوم واژه اصلی رش و رابطه مفهومی شمول معنایی استفاده شده است. ۸۰ شرکت‌کننده مؤنث در دو رده سنی کودک و بزرگسال در این پژوهش شرکت داشتند. هر دو گروه سنی فیلم بدون کلام داستان گلابی را تماشا و بازگو کردند. معمولاً در شفاهی‌سازی روایت، اشخاصی که در طرح داستان نقش سرنوشت‌سازی دارند بسیار بیشتر و دقیق‌تر از سایر موارد ذکر می‌شوند. همچنین، بنا به درجه اهمیت آن می‌توان اشاره به صورت کلی یا جزئی داشت. فرضیه‌های موجود درباره فرایند واژه‌گزینی در شفاهی‌سازی روایت بدین ترتیب است:

- انتخاب واژگانی در سطح کل و جزء در دو گروه سنی یکسان است.
- انتخاب نوع واژه‌ها اعم از واژگان شامل، زیرشمول، هم‌شمول، ضمیر و استعاره در دو گروه سنی برابر است.
- ردپای هویت واژه‌ها در اولین اشاره در روایت و در اشاره‌های بعدی در دو گروه سنی برابر است.

نتایج حاصل از این بررسی را می‌توان به صورت فهرست‌وار بیان کرد:

- با وجود اینکه تنها ۷ بازیگر در مقابل انبوه اشیا و موقعیت‌های موجود در تصویر وجود دارد، اشاره به انسان بیشترین میزان توجه و تمرکز را به خود اختصاص داده است؛ به طوری که میزان آن حدود ده برابر بیشتر از مجموع اشاره به سایر واژه‌های تعیین شده است. این بسامد بالا به دلیل مرکز توجه بودن نقش افراد نسبت به اشیا و ابزار است. افراد به‌منزله عنصر متحرک در مقابل زمینه قرار دارند و داستان موجود در روایت را رقم می‌زنند.
- رابطه‌ای بین واژه‌های به‌کار گرفته‌شده و گروه سنی (کودک و بزرگسال) در سطح کل وجود ندارد. به بیان دیگر، در سطح کل، انتخاب واژه‌های وابسته به گروه سنی نیست و هر دو گروه سنی به‌طور یکسانی از این واژه‌ها استفاده کرده‌اند.
- در مقابل رابطه‌ای معنادار بین واژه‌های به‌کار گرفته‌شده و گروه سنی (کودک و

بزرگسال) در سطح جزء وجود دارد و انتخاب واژه‌ها وابسته به گروه سنی بوده و هر دو گروه سنی به‌طور یکسانی از این واژه‌ها استفاده نکرده‌اند. می‌توان گفت زمانی که افراد اجزا را در مرکز توجه خود قرار می‌دهند، انتخاب آن‌ها به‌طور قابل‌پیگیری به یکی از سه دلیل روشنی است که آورده می‌شود:

۱. اجزائی که به یک کل بسیار برجسته، با اهمیت و قابل‌کدبندی متعلق هستند، مانند اجزاء بدن انسان.

۲. اجزای اشاره‌شده عنصر کاملاً مشخص از یک کل بودند و به‌طور مستقیم در عمل مورد توصیف مشارکت داشته‌اند، مانند پله‌های نردبان، بدنه دوچرخه یا جیب پیش‌بند.
۲. کل غیرقابل‌کدبندی است و بهترین شیوه توصیف آن مجموعه‌ای از اجزای آن بوده است، مانند پینگ‌پنگ، راکت و نخ.

مورد سوم تأییدکننده نظر براون (1954) است که بیان می‌کند در صورتی‌که در یک زبان عنوان استانداردشده‌ای برای اشاره به واژه‌ای وجود داشته باشد، آن واژه قابل‌کدبندی^{۳۳} است و در غیر این صورت غیر قابل‌کدبندی است. عامل محدودکننده دیگر می‌تواند کمبود عنوان واژگانی‌شده^{۳۴} برای مجموعه‌ای از افراد باشد. برای زبان غیراقتصادی است که بخواهد برای هر گروه از کلمات باهمایند که افراد مختلف آن را به‌کار می‌گیرند، عنوان خاصی بدهد. این امکان هم وجود دارد که سخن‌گو از گروه‌بندی‌های موقتی مثل چیزها و خرت‌وپرت‌ها استفاده کند، اما باز هم لغاتی از این دست به‌ندرت استفاده می‌شوند.

- گفته شد در بیان روایت در زمانی که بیش از یک انتخاب واژگانی وجود دارد، ارجحیت سخن‌گویان به اشاره به پدیده‌هایی با استفاده از کلماتی با درجه متوسط انتزاع است. مثلاً بیشتر ترجیح می‌دهند بگویند دوچرخه تا وسیله نقلیه یا عبارات خاص‌تر مثل رکاب‌زنان (آمد). انواع اشارات متفاوت به عنصری واحد بررسی شد. برای یکدستی کار واژه «گلابی» در نظر گرفته شد که نتایج آزمون دقیق فیشر ($p\text{-value}=0/000, F=53/115$) نشان می‌دهد که رابطه‌ای معنادار بین سطح واژه‌ها به‌کارگرفته شده و گروه سنی (کودک و بزرگسال) وجود دارد، یعنی، انتخاب سطح واژگان وابسته به گروه سنی است و هر دو گروه به‌طور یکسان از این واژه‌ها استفاده نکرده‌اند.

- اطلاعات مربوط به سن و جنس برای هر دو گروه مهم است، زیرا مشخص می‌کند که فرد چگونه باید به نظر برسد. اینکه به چه کاری مشغول است و دیگران چگونه با او تعامل برقرار می‌کنند. این اندازه از اطلاعات از سایر عناوین قابل استخراج نیست، اما می‌تواند بر سایر جنبه‌های فردی متمرکز باشند، از جمله دوست یا کارگر مزرعه. هر دو گروه تمایل به استفاده از عبارات اصلی دارند. مواردی که آن‌ها از الگو تخطی کرده‌اند و به جای واژه اصلی از واژه شامل یا زیرشمول استفاده کرده‌اند، قابل بررسی است. در موارد بسیاری تخطی مشروط به محدودیت‌های بافتی و سبکی است. در برخی موارد دیگر ملاحظات شناختی و تطابق ناقص بین نیازهای واژگانی سخن‌گو و منابع واژگانی استاندارد شده انتخاب را تعیین می‌کند. اگر شیء متعلق به سطح واژگانی ضعیفی باشد، معمولاً واژه شامل به جای آن انتخاب می‌شود، زیرا سخن‌گو از وجود آن واژه اصلی آگاهی ندارد. برای مثال، برای ذکر نام راکتی که توپ به آن متصل است، واژه‌ای ندارد و به ذکر نام اسباب‌بازی بسنده می‌کند.

- داده‌ها نشان دادند که رابطه‌ای بین آغاز اشاره به واژه و متغیر سن (کودک و بزرگسال) وجود ندارد. به این ترتیب، آغاز اشاره به واژه وابسته به متغیر سن نیست.

- براساس داده‌ها، بین هویت واژه‌های به‌کار گرفته شده و متغیر سن (کودک و بزرگسال) رابطه‌ای معنادار وجود دارد. به بیان دیگر، حفظ هویت واژه‌های وابسته به متغیر سن است و هر دو متغیر سن به‌طور یکسانی این هویت را حفظ نکرده‌اند. با نگاهی به داده‌های مربوط به ردپای هویت واژه‌ها مشاهده می‌شود زمانی که با یک اسم واحد به مجموعه‌ای از چیزها یا افراد اشاره می‌کنند، آن‌ها همه از یک نوع هستند، مانند مثال کد ۱۱ که ۱۸ بار با تناوب چند کلمه متفاوت به مفهوم گلابی اشاره کرده است.

(مثال ۱۲) ک ۱۱: گلابی‌ها رو... چیز رو برداره... میوه‌ها...

درواقع، دو گروه به‌طور متفاوت بر روی بیان مفهوم واحدی تمرکز داشته‌اند. از نتایج به‌دست آمده می‌توان این‌گونه برداشت کرد که به‌طور کلی دانش واژگانی در دو گروه سنی مشخص شده یکسان نیست. این تفاوت منطقاً باید در طراحی مواد درسی، کتاب‌های داستان، بازی‌ها و هرآنچه در حوزه واژه‌های مربوط به کودکان این سن است، در نظر گرفته شود.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. Abbott
2. Event
3. Chafe
4. <http://www.pearstories.org>
5. Abstract
6. Orientation
7. Complicating action
8. Evaluation
9. Resolution
10. Coda
11. Du Bois
12. Clancy
13. Tannen
14. Frames & Scripts
15. Arnold
16. Berman
17. Reference Participant
18. Levelt
19. Dooley
20. Levinson
21. Disruption
22. Halliday & Hasan
23. Sense Component
24. Rosch
25. Basic Level
26. Semantic relations
27. Hyponymy
28. Berman & Slobin
29. در صورت تمایل به استفاده از داده‌های این پژوهش، با آدرس ایمیل نویسنده اول مکاتبه کنید.
30. Narrow Referential Scope
31. Single Label
32. P
33. Codable
34. lexicalized label

۸. منابع

- اخلاقی، ا.، شریفی، ش.، و ایزانلو، ع. (۱۳۹۶). مقایسه پدیده مکث در بیان شفاهی روایت

- در میان زنان و دختران. پژوهش‌های زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان، ۹ (۱۶)، ۱ - ۱۶.
- اخلاقی، ا.، شریفی، ش.، و ایزانلو، ع (۱۳۹۷). بررسی ارزیابی و تعامل اجتماعی در نحوه شفاهی‌سازی روایت بین کودکان و بزرگسالان مؤنث. *زبان‌شناسی اجتماعی دانشگاه پیام‌نور*، ۲ (۴)، ۷۸ - ۸۹.
 - اخلاقی، ا.، شریفی، ش.، و ایزانلو، ع. (۱۳۹۸). بررسی و مقایسه دو گروه کودکان و بزرگسالان در بیان روایت از دیدگاه رویدادهای حرکتی تالمی. *زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء*، ۱۱ (۳۱).
 - دامرودی، ا. (۱۳۹۲). *بررسی مقایسه‌ای روایات شفاهی و کتبی زبان فارسی براساس الگوی لب‌او و شاخصه‌های گفتمانی چیف*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
 - راسخ‌مهند، م. (۱۳۹۰). *درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی، نظریه‌ها و مفاهیم*. تهران: سمت.
 - روشن، ب.، و اردبیلی، ل. (۱۳۹۲). *مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی*. تهران: علم.
 - زیتزن، م. (۱۳۸۲). کارایی معنی‌شناسی نظری پیش‌نمونه بنیاد. ترجمه آ. افراشی. هنر، ۵۸، ۳۴ - ۴۷.
 - سیاوشی، س (۱۳۹۳). ساخت روایت در زبان اشاره ایرانی: روایت‌شناسی روشی برای توصیف دستور. ویراستار م. دبیرمقدم. *مجموعه مقالات نهمین همایش زبان‌شناسی ایران، دانشگاه علامه طباطبایی*. صص ۷۰۵ - ۷۲۱.
 - صفوی، ک. (۱۳۷۹). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
 - علوی، ف.، و قنبری، م. (۱۳۹۷). تحلیل گفتمان روایی در دو مجموعه داستان قصه‌های مجید و گرگهویجی. *جستارهای زبانی*، ۹ (۵)، ۹۵ - ۱۱۸.
 - فلاح، ا.، و شفیع‌پور، س. (۱۳۹۸). تحلیل روایت موسی و سامری بر پایه نشانه - معناشناسی گفتمانی. *جستارهای زبانی*، ۹ (۴)، ۲۵ - ۵۰.
 - لاند، ن. (۱۹۸۱). *زبان و تفکر (روان‌شناسی شناختی)*. ترجمه د. کرمی (۱۳۸۷). تهران: ساوالان.
 - میرحاجی، ح. (۱۳۸۹). رویکرد آموزش رسمی زبان عربی به انتخاب واژگان پایه زبان معیار تأثیرش بر آن. *نوآوری‌های آموزشی*، ۳۵، ۱۲۵ - ۱۴۶.

- نوری، م.، و سلطانی، ع. ا (۱۳۹۳). نگرش به زن: تأثیر جنسیت فیلمنامه‌نویسان در انتخاب واژگان. ارائه‌شده در اولین همایش زبان انگلیسی، ادبیات و ترجمه در آموزش و پرورش. میبد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد. http://www.civilica.com/Paper-ELLTE01-ELLTE01_134.html
- هدایی، م. (۱۳۸۱). ادبیات ما و ادبیات بچه‌ها. در مجموعه مقالات اولین همایش ادبیات کودکان و نوجوانان. دانشگاه بیرجند.
- یارمحمدی، ل. ا.، یمینی، م.، و قنبری، ل. (۱۳۸۹). مقایسه تحلیل انتقادی گفت‌مان داستان‌های کوتاه معاصر بزرگسالان و داستان‌های کوتاه معاصر نوجوانان. *مطالعات ادبیات کودک*، ۱، ص. ۱۴۳ - ۱۶۶.

References:

- Abbott, H. P. (2002). *The cambridge introduction to narrative*. United Kingdom: Cambridge University Press.
- Akhlaghi, E., Sharifi, S., & Izanloo, A. (2017). Comparison of Pause in Oral Narrative between Girls and Women. *Linguistics researches*, 1(16), 1-16. http://jrl.ui.ac.ir/article_21949_13f466b1c8d393473e015a57c526ed94.pdf[In Persian].
- Akhlaghi, E., Sharifi, S., & Izanloo, A. (2019). Evaluation of telling narrative between children and adults based on Talmy's motion event. doi: 10.22051/jlr.2018.16953.1404. *Zabanpazhuhi, Alzahra University*. 11(31), 59- 76. http://jlr.alzahra.ac.ir/article_3505.html [In Persian].
- Akhlaghi, E., Sharifi, S., & Izanloo, A. (2018). The study of verbalizing of narrative between two different age groups, based on evaluation and interaction. *Iranian Journal of Sociolinguistics*. Payame Noor University, 2(4), 78- 89. http://sociolinguistics.journals.pnu.ac.ir/article_5366.html [In Persian].
- Alawi, F., & Ghanbari, M. (2018). Analysis of narrative discourse in two collections of Majid's stories and Korkohaviji. *Language Related Research*, 9 (5), 95-118. [In Persian].

- Arnold, L. (2013). Representing agency in Trauma narrative: Sociocultural motivations for variability in verbalization. Paper presented at 12th International Cognitive Linguistics Conference. University of Edmonton, Alberta.
- Berman, R. (2013). Verbalizing personal and fictive experiences in narrative development. Paper presented at 12th International Cognitive Linguistics Conference. University of Edmonton, Alberta.
- Berman, R. A., & Slobin, D. I. (1994). *Relating Events in Narrative: A Crosslinguistic Developmental Study*. Lawrence Erlbaum Associates, Inc.
- Brown, C. (1976). General principles of human anatomical partonomy and speculations of the growth of partonomic nomenclature. *American Ethnologist*. 3, 400- 424.
- Brown, R. W. (1954). How shall a thing be called? *Psychology Review*. 65, 14-21.
- Chafe, W. (1980). The development of consciousness in the production of a narrative. In Wallace Chafe (Eds.). *The pear stories, cognitive, and linguistic aspect of narrative production*. (9-50). New Jersey: Ablex Publishing Corporation.
- Chafe, W. (1994). *Discourse, consciousness and time. The flow and displacement of consciousness in speaking and writing*. Chicago: The University of Chicago Press.
- Croft, W., & Cruse, A. D. (2004). *Cognitive linguistics*. Cambridge: Cambridge press in Linguistics.
- Damroudi, A. (2013). *A comparative study of oral and written narrations of Persian language based on Labove pattern and Cheaf discourse characteristics*. Master Thesis in General Linguistics. Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian].
- Dooley, R. A., & Levinsohn, S. H. (2001). *Analyzing discourse: a manual of basic concepts*. Dallas: SIL International.
- Downing, P. (1980). Factors influencing lexical choice in narrative. In Wallace Chafe (Eds.), *The pear stories: cognitive, cultural, and linguistic aspect of narrative production*. (89-126). New Jersey: Ablex Publishing Corporation.

- Du Bois, J. W., & Clancy, P. (2013). The verbalization of experience: An old/ new theme for cognitive- functional linguistics. Presented at 12th *International Cognitive Linguistics Conference*. University of Edmonton, Alberta.
- Falah, A., & Shafi'pour, S. (2019). Analysis of the narration of Moses and Samaritan based on Semiotics. *Language Related Research*, 49, 25-50. [In Persian].
- Halliday, M. A. K., & Hasan, R. (1976). *Cohesion in English*, London: Longman.
- Hodayi, M. (2002). Our literature and children's literature. In *the Proceedings of the First Conference on Children and Adolescent Literature*. Birjand University. [In Persian].
- Labov, W. (1972). *The transformation of experience in narrative syntax*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Land, N. (1981). *Language and thinking (cognitive psychology)*. Translation Karami, D. (2008). Tehran: Savalan. [In Persian].
- Langacker, R.W. (1987). *Foundations of cognitive grammar*. (Vol. I). Stanford: Stanford University Press.
- Levelt, W. J. M. (1989). *Speaking: from intention to articulation*. Cambridge: MIT Press.
- Mirhaji, H. (2010). The approach of formal Arabic language teaching to the choice of basic vocabulary of the standard language affects it. *Educational Innovations*, 35, 125-146. [In Persian].
- Norouzi, M. & Soltani, A. (2014). *Attitudes toward women: The impact of screenwriters' gender on vocabulary selection*. Presented at the 1st *Conference on English language, Literature and Translation in Education*. Meybod Yazd, Islamic Azad University, Meybod Branch. [In Persian].
- Rasekhmahand, M. (2011). *An introduction to cognitive linguistics, theories, and concepts*. Tehran: SAMAT. [In Persian].
- Rosch, E., Mervis, C., Gray, W., Johnson, D. & Boyes-Braem, P. (1976). Basic objects in natural categories. *Cognitive Psychology*. 8, 382- 439.

- Roshan, B. & Ardabili, L. (2013). *An introduction to cognitive semantics*. Tehran: Science. [In Persian].
- Safavid, K. (2000). *An Introduction to Semantics*. Tehran: Islamic Development Organization. [In Persian].
- Siavashi, S. (2014). Making a narrative in Iranian sign language: Narratology is a method of describing grammar. Editor Dabirmoghadam, M. in *the Ninth Iranian Linguistics Conference*, Allameh Tabatabai University. 705-721. [In Persian].
- Tannen, D. (1979). What's in a frame? Surface evidence for underlying expectations. In Roy Freedle (ed.). *New directions in discourse processing*. (137-181). Norwood, NJ: Ablex.
- Tannen, D. (1980). A comparative analysis of oral narrative strategies: Athenian Greek and American English. In Wallace Chafe (Eds.). *The pear stories: cognitive, cultural, and linguistic aspect of narrative production*. (51- 88). New Jersey: ABLEX Publishing Corporation.
- Tannen, D. (2013). The verbalization of experience in digital messages. Presented at *12th International Cognitive Linguistics Conference*. University of Edmonton, Alberta.
- Yarmohammadi, L. A., Yamini, M., & Ghanbari, L. (2009). Comparison of critical analysis of adult contemporary short stories discourse and adolescent contemporary short stories. *Children's Literature Studies*, 1, 143-166.
- Zitzen, M. (2—3). The effectiveness of the theoretical semantics of the foundation's sample. Translated by Afrashi, A. *Art*, 58, 34-47. [In Persian].